


## Analyzing the Stable Foundations of Strategic Relations between Turkey and the Occupied Quds Regime in the Region of Southwest Asia (2002-2022)

Masoud Akhavan Kazemi \*

Associate Professor of Political Sociology, Razi University, Iran, mak392@yahoo.com

Mokhtar Zibae

M.A. Student in International Relations, Razi University, Iran, m.zibae1400@gmail.com

Zanire Nasri

Ph.D. Student in Political Sociology, Razi University, Iran, zanirenasri@gmail.com

### Abstract

**Objective:** Despite the relatively balanced relationship between Turkey and Israel in the past, but with the dominance of ideologically oriented parties with opposing beliefs, such as the Justice and Development Party in Turkey and parties such as Likud in Israel, this relationship has been maintained and even strengthened at times, contrary to expectations. ; This research has been carried out with the aim of investigating the mentioned contradiction and revealing the hidden points of this relationship.

**Method:** This article, using the descriptive-analytical method and applying the theory of chaos, which proposes a specific and predictable order beyond the apparent differences between the governments, aims to answer the question why, despite the superiority of tension-causing factors, the main structure of Turkish relations and Israel, contrary to the announced policies, has been stable and strategic in practice?

**Results:** The findings of the research show that despite tension-causing rhetoric and disputes such as the issue of Palestine, Kurds, human rights, etc., in practice, relations between Turkey and Israel have maintained their relative stability, and the aforementioned disputes and rhetoric are merely a camouflage for the practical policies of the parties such issues as economic, security, etc.

**Conclusion:** The central ideology, being a supporter of human rights, etc., is only a cover from Turkey and Israel to achieve bilateral goals and bigger goals such as the Ottomanization of Turkey and becoming one of the regional powers on the part of Israel, and contrary to the declared policies, it is a fixed order. And it has been stable in their practical relations.

**Keywords:** Turkey, Israel, Chaos Theory, Convergence, Kurds.

\* Received on 13 May, 2022 Accepted on 19 October, 2022

**Cite this article:** Akhavan Kazemi, Zibae & Nasri (2022) US Analyzing the Stable Foundations of Strategic Relations between Turkey and the Occupied Quds Regime in the Region of Southwest Asia (2002-2022), Fall 2022, Vol.11, NO.3,25-51.

DOI: 10.30479/psiw.2023.17245.3111

© The Author(s).



**Publisher:** Imam Khomeini International University.

**Corresponding Author:** Masoud Akhavan Kazemi

**E-mail:** mak392@yahoo.com

## تحلیل مبانی پایدار روابط راهبردی ترکیه و رژیم اشغالگر قدس در منطقه جنوب غرب آسیا (۲۰۲۲-۲۰۰۲)

مسعود اخوان کاظمی\*

دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه رازی mak392@yahoo.com

مختار زیبایی

دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشگاه رازی m.zibae1400@gmail.com

زنیره نصری

دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی، دانشگاه رازی zanirenasri@gmail.com

### چکیده

**هدف:** با وجود رابط نسبتاً متعادل ترکیه و رژیم اشغالگر قدس در گذشته، اما با حاکمیت احزاب ایدئولوژیک محور با اعتقادات متضاد طرفین؛ یعنی حزب عدالت و توسعه در ترکیه و احزابی مانند لیکود در رژیم اشغالگر قدس، این رابطه برخلاف انتظارات، کماکان حفظ و حتی در مواقعی مستحکم‌تر شده است؛ موضوعی که پژوهش حاضر با اهداف بررسی تناقض مذکور و آشکار شدن نقاط پنهانی این ارتباط اقدام کرده است.

**روش:** این مقاله، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با کاربرست نظریه آشوب که نظمی خاص و قابل پیش‌بینی را برای اختلافات ظاهری بین دولت‌ها مطرح می‌سازد، در صدد پاسخ به این سؤال است که چرا با وجود برتری عوامل تنش‌آفرین، شاکله اصلی روابط ترکیه و رژیم اشغالگر قدس برخلاف سیاست‌های اعلامی در عمل پایدار و راهبردی بوده است؟

**یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، با وجود لفاظی‌های تنش‌زا و اختلافاتی مانند مسئله فلسطین، کردها، حقوق بشر و ... در عمل روابط ترکیه و رژیم اشغالگر قدس، پایداری نسبی خود را حفظ کرده و اختلافات و لفاظی‌های مذکور، صرفاً استتاری جهت سیاست‌های اعمالی طرفین مانند مسائل اقتصادی، امنیتی و ... بوده است. **نتیجه‌گیری:** ایدئولوژی محوری، حامی حقوق بشر بودن و غیره، تنها پوششی از سوی ترکیه و رژیم اشغالگر قدس جهت نیل به اهداف دوجانبه و اهداف بزرگتری مانند نوع‌ثمنی‌گری ترکیه و تبدیل شدن به یکی از قدرت‌های منطقه‌ای از سوی رژیم اشغالگر قدس بوده و برخلاف سیاست‌های اعلامی، نظمی ثابت و پایدار در روابط عملی آنان برقرار بوده است.

**واژگان کلیدی:** ترکیه، اسرائیل، نظریه آشوب، همگرایی، کردها.

**نوع مقاله:** پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۲/۲۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۷/۲۷

استناد: اخوان کاظمی، زیبایی و نصری (۱۴۰۱)، تحلیل مبانی پایدار روابط راهبردی ترکیه و رژیم اشغالگر قدس در منطقه جنوب غرب آسیا (۲۰۲۲-۲۰۰۲)، پاییز ۱۴۰۱، دوره ۱۱، شماره ۳، پیاپی ۴۳: ۲۵-۵۱.



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) حق مؤلف ©

## مقدمه

در نظام بین‌الملل، کشورها با توجه به یکسری الزامات تعریف شده برای خود و براساس منافع ملی، اقدام به برقراری ارتباط با دیگر واحدها می‌کنند. در واقع اهداف اعلامی و تعقیبی در سیاست خارجی، تا حد زیادی بیانگر جهت‌گیری دولت‌ها از لحاظ منافع ملی است؛ چرا که وجود اهداف معین در سیاست خارجی، یک ضرورت اساسی در نظام‌های سیاسی مختلف می‌باشد؛ هرچند که عنوان می‌شود در این ارتباط، دوست و دشمن دائمی وجود ندارد و بر اساس اقتضائات و منافع، چرخش در این رابطه امکان‌پذیر است. با این حال، سیاست خارجی اعمالی کشورها با حداقل تغییرات و بر اساس منافع اعلامی آنان به اجرا درآمده و تقریباً ثباتی نسبی در روابط کشورها وجود دارد؛ موضوعی که در روابط ترکیه و رژیم اشغالگر قدس صادق نبوده و با وجود تفوق ظاهری عوامل سلبی مانند ایدئولوژی موازی طرفین، در عمل، عوامل ایجابی مانند مسائل اقتصادی و امنیتی برتری دارد. موضوعی که با توجه به اهمیت این ارتباط در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و همچنین تأثیرات آن بر مسائل راهبردی جهان اسلام از جمله موضوع فلسطین، مورد توجه نگارندگان قرار گرفته و با توجه به تناقض و اهمیت اشاره شده این ارتباط، آنچه در این زمینه پنهان بوده و نیت طرفین را جهت تبیین هرچه بهتر این رابطه و درک بهتری از موضوع مورد توجه قرار داده است؛ چرا که علیرغم غرب‌محوری و بازی در تیم غرب با عضویت در پیمان ناتو از سوی ترکیه، با وجود جمعیت اغلب مسلمان و تغییر پارادایم در سال ۲۰۰۲ از سوی این کشور و اسلام‌محوری در درک و شیوه عمل حکومت جدید ترکیه و در طرف مقابل الگوی فکری حاکم بر سران رژیم اشغالگر قدس و اسلام‌هراسی ناشی از آن، تغییرات جهت‌گیری در روابط طرفین ناگهانی و چشم‌گیر بوده است. ترکیه، با وجود برادر بزرگ بودن ادعایی در جهان اسلام و هویت اسلامی این کشور که خود را لنگر ثابت در منطقه غرب آسیا دانسته و رهبران آن در مقاطع مختلف، از رژیم اشغالگر قدس به‌عنوان رژیم نژادپرست نام برده‌اند؛ اما در مقاطع دیگری از سوی آنان، یهودی‌ستیزی جنایت علیه بشریت خوانده می‌شود. موضوعی که در طرف مقابل هم تکرار شده و با وجود انتقاداتی؛ از جمله موضوعات حقوق بشری از سوی رژیم اشغالگر قدس نسبت به ترکیه، این کشور همواره یکی از متحدان دکترین پیرامونی صهیونیست‌ها بوده است.

رابطه‌ای که با وجود لفاظی‌های تند یاد شده نسبت به یکدیگر، از آن به‌عنوان پیمان قابل توجه، ستون معماری امنیتی منطقه غرب آسیا و حتی پیمان شماره دو بغداد نام برده می‌شود. موضوعی که نشان دهنده آن است که حتی در اوج تنش، پایداری نسبی در سیاست‌های اعمالی آنان بوده و ترکیه و اشغالگران قدس، به روندها و تحولات ژئوپلیتیکی منطقه غرب آسیا نگاهی مشابه و در ورای نمای تقابلی، اشتراکات زیادی داشته و آنان را به همسویی استراتژیک سوق داده است. تحولاتی که همانگونه که اشاره شد، با توجه به سابقه تاریخی ترکیه به‌عنوان یکی از

قطب‌های جهان اسلام در گذشته و اکنون نیز با ظهور حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ و داعیه‌دار بودن رهبری جهان اسلام از سوی آنان و از طرفی دیگر، رژیم صهیونیستی با توجه به دشمنی ذاتی با کشورهای مسلمان به‌خصوص حامیان فلسطین، قابل تأمل تر می‌باشد؛ چرا که رژیم اشغالگر قدس نه تنها از مواضع خود کوتاه نیامده و حد و حدودی برای رعایت حداقل حقوق فلسطینیان به‌عنوان یکی از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی ترکیه و حفظ حریم مسجدالاقصی، به‌عنوان قبله اول مسلمانان قائل نشده، بلکه همچنان به سیاست‌های توسعه‌طلبانه خود ادامه داده و این سیاست‌ها را حتی به خارج از مرزهای فلسطین اشغالی نیز کشانده است. این نوشتار، روابط پایدار اشاره شده مابین رژیم اشغالگر قدس و ترکیه را با وجود تضادهای هویتی و فکری بین آنان، با استفاده از نظریه آشوب که تناقض در سیاست‌های اعلامی و اعمالی کشورها در قبال دیگر واحدها را نقد و بررسی می‌کند، مورد واکاوی قرار داده است. با توجه به این ملاحظات، پرسش اصلی مقاله بدین صورت مطرح می‌شود که در بازه زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۲، چه عوامل و شرایطی موجب پایداری نسبی روابط ترکیه و رژیم اشغالگر قدس بوده‌اند؟ فرضیه پژوهش آن است که تفاوت معناداری در متن و حاشیه روابط مذکور وجود داشته و برخلاف ظاهرسازی طرفین، مبنی بر وجود سرعت‌گیرهای قابل توجه از جمله مسئله فلسطین و کردها در این ارتباط، تداوم و ثبات یکنواختی در عمل در رابطه آنان وجود داشته و موانع یاد شده برخلاف ادعای طرفین به‌عنوان سکوی پرتاب در جهت رسیدن به مقاصد و به نوعی ضربه‌گیر این رابطه عمل کرده‌اند.

این پژوهش، می‌کوشد براساس روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای، به پرسش اصلی مقاله پاسخ داده و ضمن بررسی تاریخی از روابط طرفین، اهداف آنان از تداوم و توسعه روابط و همچنین بررسی تناقضات سیاست‌های اعلام شده و اجرا شده دو طرف، به تبیین دقیق فرضیه مقاله بپردازد.

### پیشینه پژوهش

روابط ترکیه و رژیم اشغالگر قدس، به اشکال و دفعات مختلف مورد پژوهش قرار گرفته است که در ادامه به مهم‌ترین موارد که بیشترین قرابت را با مقاله حاضر داشته‌اند، اشاره می‌شود. ارسل، آیدینلی و انور، اریپول<sup>۱</sup> (۲۰۲۱). در مقاله‌ای با عنوان «تغییر نخبگان و آغاز، مدت زمان و فروپاشی اتحاد ترکیه و اسرائیل»، که به‌وسیله انتشارات دانشگاه آکسفورد منتشر شده است، نویسندگان معتقدند؛ مواردی مانند تغییرات شرایط اقتصادی، دستور کار محافظه‌کارانه حزب عدالت و توسعه و سایر عوامل برون‌زا، نمی‌تواند به‌عنوان توضیحات قانع‌کننده جهت درک پیچیدگی روابط مذکور باشند. در عوض، این مقاله بر اساس یک چارچوب تحلیل واقع‌گرایانه

1. Ersel, Aydinli and Anwar, Erpol

و با بررسی مجدد تحولات رخ داده در این رابطه نتیجه می‌گیرد؛ ساختار نخبگان در ترکیه از اهمیت بالایی جهت تجزیه و تحلیل سیاست های این کشور برخوردار است؛ چرا که ارتباط با رژیم اشغالگر قدس در دهه ۱۹۹۰ و همچنین فروپاشی این اتحاد در سال ۲۰۱۱ همگی در نتیجه دخالت‌های نخبگان قدرت این کشور بوده است؛ نتیجه‌ای که علاوه بر بازه زمانی فوق، می‌تواند تفسیرکننده دلایل روابط پرفراز و نشیب سالیان اخیر ترکیه و رژیم اشغالگر قدس نیز باشد.

افرون، شیرا<sup>۱</sup> (۲۰۱۸). در تحقیقی با عنوان «آینده روابط اسرائیل با ترکیه» در مؤسسه رند، ضمن بررسی فراز و فرود این ارتباط؛ از جمله کاهش روابط در سال ۲۰۱۱، عادی‌سازی در سال ۲۰۱۶، اخراج سفیر رژیم اشغالگر قدس از سوی ترکیه در سال ۲۰۱۸ و متعاقب آن اخراج کنسول ترکیه از بیت‌المقدس از سوی صهیونیست‌ها، بیان می‌دارد که بازیگران یاد شده، با وجود آن که دارای منافع اقتصادی و راهبردی مهمی هستند، اما در موضوعاتی مانند وضعیت فلسطین، دیدگاه‌های متضاد نسبت به کردها و همچنین وضعیت سوریه پس از بحران، با هم اختلاف نظر دارند؛ اختلافاتی که علاوه بر فراهم کردن موجبات عدم تمرکز بر اهداف مشترک از سوی رهبران آنان، به‌وسیله ترکیه و با تنش با آمریکا و کشورهای عربی که اسرائیل اهداف مهمی با آنان دارد، تشدید شده است؛ موضوعاتی که به اعتقاد محقق در کنار اعتماد ناکافی بین ترکیه و رژیم اشغالگر قدس، همکاری دیپلماتیک و نظامی را در آینده نزدیک دور از دسترس قرار داده و با ایجاد فضایی نامطلوب، مانع از پیشرفت منافع اقتصادی متقابل می‌شود.

بزرگمهری، مجید (۱۳۹۹). در مقاله‌ای با عنوان «روابط ترکیه و اسرائیل در دو دهه اخیر (۲۰۱۹-۲۰۰۰) همگرایی یا واگرایی» که در فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل به چاپ رسیده است، با تکیه بر نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، رابطه راهبردی مذکور را بیشتر از جنبه امنیتی دیده و جهت اثبات این مدعا، به پایداری قرارداد نظامی بین آنان از سال ۱۹۹۶ تا کنون، با وجود تغییرات حاکمیتی اشاره می‌کند. در پایان، پژوهش مورد نظر نتیجه می‌گیرد، با وجود عدم انسجام در این ارتباط، در شرایط کنونی ترکیه و رژیم اشغالگر قدس، سیاست اتحاد و همکاری خود را ادامه داده و هر دو طرف، از اهرم فشار برای اجبار به همسویی طرف مقابل در شرایط خاص استفاده می‌کنند.

قیمی‌بشنو، فاطمه و میرحسینی، محسن (۱۳۹۹). در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی پیامدهای اقتصادی - فرهنگی روابط ترکیه و اسرائیل بر منطقه خاورمیانه» که در فصلنامه تخصصی علوم سیاسی به چاپ رسیده است، هدف از این ارتباط را کاهش تنش‌های سیاسی و رشد اقتصادی عنوان کرده و با ذکر پیامدهای اقتصادی و فرهنگی این رابطه بر منطقه، اهدافی مانند هژمونی اقتصادی و منزوی ساختن ایران در منطقه غرب آسیا را از جمله دستاوردهای رژیم اشغالگر

1. Efron, Shira

قدس در این رابطه ذکر کرده‌اند. علاوه بر این، رابطه با ترکیه در کنار حداقل آسیب ممکن به صهیونیست‌ها ناشی از تغییرات فرهنگی منطقه غرب آسیا، با اقداماتی؛ نظیر توسعه گردشگری و شکل‌گیری هویت مشترک، در کنار اهدافی مانند پذیرش هولوکاست از سوی ترکیه و متعاقباً دیگر کشورهای منطقه، روند عادی‌سازی رابطه با اعراب را برای رژیم اشغالگر قدس هموار کرده است.

مقاله حاضر تلاش می‌کند تا ضمن استفاده از نکات مطرح شده در پژوهش‌های فوق و سایر پژوهش‌های انجام شده در این مقوله و شناسایی جنبه‌های کلیدی و نقاط اختلافی رابطه مذکور، تحلیلی جامع از روند و دلایل پایداری روابط ترکیه و رژیم اشغالگر قدس ارائه داده و با اتصال نقاط نامفهوم قبلی، زمینه را برای بررسی اندیشمندانه و نظری این موضوع فراهم و با تمرکز بر نظریه آشوب، تحلیلی جدید در این زمینه ارائه نماید.

### چارچوب نظری: نظریه آشوب

عصر جدید را برخی از اندیشمندان و سیاستمداران، عصر آشوب در سیاست جهان نام نهاده‌اند. بنیان نظریه آشوب که توسط ریاضی‌دانانی چون «ادوارد لورن»<sup>۱</sup> و «جیمز یورک»<sup>۲</sup> در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی شکل گرفت، سیستم‌های پویا و غیرخطی را بررسی می‌کند و یک چارچوب مفید برای پدیده‌هایی است که پیش‌بینی نشده و پیچیده هستند (کارتویگ<sup>۳</sup>، ۱۹۹۱: ۱۶۷). هیلز نیز در ۱۹۹۰، آشوب یا بی‌نظمی را این‌گونه تعریف می‌کند: «بی‌نظمی و آشوب، نوعی بی‌نظمی منظم<sup>۴</sup> یا نظم در بی‌نظمی است؛ بی‌نظمی از آن‌رو که نتایج آن پیش‌بینی ناپذیر و منظم است؛ بدان جهت که از نوعی قطعیت برخوردار است». مدل آشوب، در واقع گویای آن است که تحولات سیاسی و اجتماعی، زمان‌پرورده، زمینه‌پرورده و مکان‌پرورده هستند و نباید در پی قاعده‌ای عام و جهان‌شمول برای تبیین و تحلیل آن‌ها باشد. درمقابل، باید در پی قواعد خرد، محلی و متناسب با زمینه‌ها و زمانه جدید بود؛ زمینه و زمانه‌ای که هویت دنیای مدرن و پیچیده نیز از گزند دگرگونی‌های آن در امان نیست (موسوی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۲۸). بنابراین، آشوب و آشوبناکی امروزه در هیئت یک نظریه، ضمن نقد نظریات خطی تبیین فرایندهای سیاسی و اجتماعی، به سیستم‌هایی اشاره دارد که ضمن نشان دادن بی‌نظمی، حاوی نوعی نظم نهفته درون خود بوده و بیانگر رفتارهای نامنظم، غیرخطی، غیرقابل پیش‌بینی و پیچیده در سیستم‌ها می‌باشند و لذا قائل به وجود یک الگوی نظم‌غایی در ورای تمام این بی‌نظمی‌ها هستند. از این منظر، نظریه پیچیدگی و مباحث مربوط به نظام‌های پویا و غیرخطی و آشوب‌گونه، امکان جدیدی

1. Edward Lawrence
2. James York
3. Cartwrigth
4. Disorder Orderly

برای شناخت پدیده‌های سیاسی و فهم آن‌ها فراهم کرده است. نظریه آشوب، دارای پنج اصل زیربنایی است که عبارتند از:

(الف) پیش‌بینی‌ناپذیری؛ مؤلفه بنیادینی است که در پاره‌ای از رفتارهای سیستم‌های دینامیکی ساده جبری، دیده شده؛ اما می‌توان ماهیت و نحوه تغییر رفتار آن را تدوین کرد.

(ب) حساسیت؛ برخی سیستم‌ها در برابر تغییرات اندک بعضی متغیرها حساسیت گسترده‌ای نشان می‌دهند؛ به نحوی که ایجاد تغییری ناچیز در شرایط اولیه، منجر به تغییرات و تحولات بزرگی در کل سیستم می‌شود که در بیان «لورنز» ریاضی‌دان آمریکایی، تحت عنوان «اثر پروانه‌ای» مطرح شده است.

(ج) نظم و انتظام؛ رفتارهای تعاملی که نتیجه تعامل دو اصل بالا است، خود دارای نوعی نظم‌اند و مطالعه الگوهای چنین بی‌نظمی‌هایی حقایق فیزیکی خاصی را روشن می‌سازد.

(د) منظور از آشوب، اتفاقی بودن امور نیست و منظور نیروهایی اتفاقی نیست که باعث رفتار تصادفی می‌شوند.

(ه) آشوب، ناشی از شرایط قابل شناختی است که موجب ظهور رفتارهایی می‌شوند که با وجود اختلال ظاهری و پیش‌بینی‌ناپذیری، قابل پیش‌بینی هستند (انعامی علمداری، شفیعی، متقی، ۱۳۹۹: ۲۱۱).

اگرچه استفاده از نظریه پیچیدگی و آشوب در علوم سیاسی در مراحل آغازین راه است، ولی توانایی‌های بالقوه این نظریه، برای تحلیل سیاسی، علاقه‌مندان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل را بر آن داشته، تا با نگاهی به برداشت‌های قبلی از این علم، ارزیابی دوباره‌ای درباره پدیده‌های سیاسی داشته باشند. آنچه که به پژوهش حاضر مربوط می‌باشد، تحلیل مبانی پایدار در روابط راهبردی ترکیه و رژیم اشغالگر قدس در منطقه غرب آسیا می‌باشد که با توجه به محیط آشوبناک، پیچیده و پیش‌بینی‌ناپذیر این منطقه، حساسیت هر دو بازیگر نسبت به تأمین امنیت و منافع خود، روابط تعاملی و کنش و واکنش با هم در این فضای پیچیده و دلایل و منافع مشترک، می‌توان به تحلیلی در روابط این دو بازیگر دست یافت.

## فراز و فرودهای روابط ترکیه و رژیم اشغالگر قدس در منطقه غرب آسیا

سراغاز ارتباط ترکیه و رژیم اشغالگر قدس، اگرچه به پذیرش این رژیم از سوی ترکیه به‌عنوان اولین کشور مسلمان در سال ۱۹۴۹ محدود می‌شود، اما این پیوند عمیق‌تر بوده و باید ترک‌ها را در زمره یکی از کشورهای درگیر در ورود اولیه صهیونیست‌ها به منطقه جای داد؛ چرا که سازمان جهانی صهیونیست<sup>۱</sup> که پس از کنگره بال در سال ۱۸۹۷ در سوئیس در حال سازماندهی مهاجرت یهودیان به فلسطین بوده‌اند، با مخالفت سلطان عبدالحمید خلیفه عثمانی

1. World Zionist Organization (WZO)

روبرو شده و با وجود دادن وعده‌های مالی و سیاسی از دادن مجوز مهاجرت (منشور) به آنان خودداری کرده است. موضوعی که حتی موجب پیشنهاد مهاجرت یهودیان به سایر نقاط جهان (صهیونیسم بدون صهیون) نظیر آرژانتین، آنگولا، لیبی و عراق گردید؛ مخالفتی که با کنار رفتن خلیفه عثمانی و روی کار آمدن ترکان جوان در سال ۱۹۰۸ به‌عنوان پایه‌گذاران ترکیه نوین، بحران مهاجرت را تا حد زیادی حل و ترکان جوان به سازمان جهانی صهیونیست اجازه مهاجرت به فلسطین را دادند (احمدی، ۱۴۰۰: ۱۵۱-۱۵۰). به‌طور کلی، تاریخچه روابط ترکیه و رژیم اشغالگر قدس، به دو دوره و با تأکید بیشتر بر دور دوم این ارتباط، با توجه به عنوان پژوهش، بررسی شده است.

### دوره نخست: ۲۰۰۲-۱۹۴۹

بازه نخست زمانی روابط ترکیه و رژیم اشغالگر قدس، با توجه به وجود دو نوع از سطح ارتباط در دوره نامبرده، در دو بخش بررسی شده است.

#### آغاز و سیر نزولی روابط

همان‌گونه که اشاره شد، پیوند ترکیه و رژیم اشغالگر قدس که به دهه‌های آغازین قرن بیستم ختم می‌شد، اما به‌طور رسمی در سال ۱۹۴۹، ترکیه به‌عنوان اولین کشور مسلمان، اسرائیل را به رسمیت شناخت. اگرچه مواردی مانند عضویت ترکیه در پیمان ناتو در سال ۱۹۵۲ و جهت‌گیری غرب‌گرایانه این کشور، موجب حفظ ارتباط با رژیم اشغالگر بوده، اما با حمله اسرائیل به صحرای سینا در سال ۱۹۵۶، به‌عنوان بخشی از عملیات کانال سوئز، به‌علت حساسیت ترکیه به افکار اعراب، روابط دیپلماتیک با رژیم اشغالگر قدس را به سطح کاردار تنزل داد (افرون، ۲۰۱۸: ۵). ارتباطی که سالیان بعدی نیز تحت تأثیر روابط ترکیه با اعراب و همچنین رژیم اشغالگر قدس با یونان و قبرس در کنار موضوعاتی؛ مانند نارضایتی ترکیه از الحاق قدس شرقی توسط رژیم اشغالگر و همچنین افتتاح دفتر سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) در ترکیه از سوی یاسر عرفات که از طرف صهیونیست‌ها، سازمانی تروریستی شناخته شده، در دهه ۸۰ میلادی در سطح سیاسی نزولی بوده و بیشتر شاهد پررنگ بودن روابط اقتصادی در طول سالیان این ارتباط و بیشتر در دهه نامبرده بوده‌ایم.

#### روابط علنی و راهبردی

اما با ورود به دهه ۱۹۹۰ میلادی و حوادثی مانند پایان جنگ سرد، نزدیکی اعراب، اسرائیل و همچنین تغییرات داخلی و افزایش نقش ارتش در ساختار سیاسی ترکیه، جملگی موجب تغییر نگاه‌ها به سمت اسرائیل شده است. دورانی منحصر به فرد که علاوه بر ارتقای روابط به سطح سفیر در سال ۱۹۹۱ و همچنین قراردادهای اقتصادی؛ مانند بازید سالانه بیش از ۳۰۰ هزار شهروند رژیم صهیونیستی از ترکیه، بیش از ۲۰ قرارداد نظامی بین طرفین امضا و با سفر تاریخی



تانسو چیلر، نخست‌وزیر ترکیه، به اسرائیل در سال ۱۹۹۴ که منجر به امضای توافقنامه تجارت آزاد با اسرائیل و مدرن‌سازی هواپیماهای جنگی ترکیه توسط این کشور به‌عنوان پایه‌ای برای ارتباط بیشتر طرفین در سایر زمینه‌ها و همچنین همکاری در زمینه مبارزه با تروریسم؛ از جمله PKK گردید (دومان<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰: ۲۵). با این وجود، از اواخر دهه ۱۹۹۰ و با دستگیری عبدالله اوجالان رهبر PKK و کاهش تعداد اقدامات تروریستی این گروه، بهبود تدریجی روابط با یونان و سوریه و به‌عبارت دیگر، ناپدید شدن احتمال «دو جنگ و نیم» از ذهنیت سیاست‌گذاران و رسانه‌ها و همچنین در جبهه ایدئولوژیک داخلی، کاهش تهدیدات علیه ماهیت سکولار دولت با تعطیلی حزب رفاه به جرم انجام فعالیت علیه رژیم لائیک ترکیه در ژانویه ۱۹۹۸ توسط دادگاه قانون اساسی و ناکامی جانشین این حزب؛ یعنی فضیلت در انتخابات عمومی سال ۱۹۹۹، این ارتباط بار دیگر نزولی شده است (بالچی و کارداس<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲: ۱۱۰).

### دوره دوم: ۲۰۲۲-۲۰۰۲

با توجه به اهمیت دوره عنوان شده و در محور بودن اتفاقات این بازه زمانی، جهت تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری صحیح از پژوهش که طیفی از واگرایی و همگرایی را در این سالیان رقم زده، قبض و بسط این ارتباط، بیشتر و در سه بازه زمانی تأثیرگذار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### همگرایی و واگرایی روابط

دوره مذکور، مقطعی کلیدی و البته پرفراز و نشیب در این رابطه بوده است؛ چرا که ظهور یک حزب محافظه‌کار و اسلام‌گرا در سال ۲۰۰۲، هرچند انقلابی در سیاست ترکیه نبود، اما حرکتی تعیین‌کننده در جهت مخالف روابط بود؛ موضوعی که در کنار متفاوت بودن واقعیت‌های ژئوپلیتیکی قرن جدید با دهه ۱۹۹۰، دستگیری اوجالان و افول PKK، همراه با گرم شدن روابط آنکارا با اتحادیه اروپا، وابستگی به رژیم اشغالگر را کاهش می‌داد. با این حال، تشکیلات نظامی ترکیه که نفوذ و استقلال زیادی داشت، از ائتلاف حمایت و روابط با رژیم اشغالگر منبع اهرم و اعتبار در سیاست منطقه دانسته شد. بنابراین اردوغان، پس از به قدرت رسیدن، اتحاد کشورش با دولت یهود را منفرج نکرد (کوهن و روکاک<sup>۴</sup>، ۲۰۲۰: ۸)؛ موضوعی که موجب شد، روابط اقتصادی آن‌ها همچنان ادامه یافته و اردوغان هم‌عنوان کند که هیچ تغییری در روابط دو کشور صورت نمی‌گیرد؛ زیرا ادامه این روابط، به نفع منافع ملی ترکیه است؛ به طوری که ژوئیه ۲۰۰۳، رئیس‌جمهور رژیم اشغالگر قدس، از ترکیه دیدن و متعاقباً اردوغان در سال ۲۰۰۵ از سرزمین‌های اشغالی بازدید و پیشنهاد کرد بین صهیونیست‌ها و فلسطینیان میانجی‌گری کند؛

1. Partiya Karkerên Kurdistan
2. Duman
3. Balci and Kardas
4. Cohen and Rocak

روندی که بیشتر حول محور فلسطین و تأثیرگذاری این مسئله بر روابط دوجانبه دنبال شده است. مسئله دیگر این دوره، روند سیاسی‌زدایی ارتش ترکیه بوده که در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۹ به اوج خود رسید. با کاهش قدرت سیاسی ارتش به‌عنوان مدافع سکولاریسم در ترکیه، روابط راهبردی با رژیم اشغالگر قدس نیز دچار شکست شد (بن‌زیو، ۲۰۲۲).

### شکندگی و بی‌نظمی روابط

شیب نامنظم و روابط از هم گسیخته ترکیه و رژیم اشغالگر قدس که با بررسی ۶۰ ساله این ارتباط مشخص شده است، با اولین درگیری مستقیم طرفین در سال ۲۰۱۰، ناشی از حمله کماندوهای ارتش رژیم صهیونیستی به ناوگان آزادی ترکیه‌ای ارسالی به غزه و کشته شدن ۹ نفر از سرنشینان ترک این ناوگان، بار دیگر تیره شد. در این میان، تأکید ترکیه بر عذرخواهی رسمی صهیونیست‌ها از آن کشور، لغو مانور نظامی مشترک و لغو دیدار وزیر امور خارجه ترکیه از سرزمین‌های اشغالی، بر تیرگی روابط افزود. با این حال، اردوغان با وجود مانع خواندن دولت نتانیا‌هو در راه صلح خاورمیانه، اعلام کرد که ترکیه همچنان دوست صهیونیست‌ها و بعدها اعلام داشت که سخنان وی علیه مردم رژیم اشغالگر قدس یا یهودیان نبوده است. چراغ سبزی که در مارس ۲۰۱۳ و طی سفر اوباما به سرزمین‌های اشغالی و تدارک یک مکالمه تلفنی میان رهبران دو کشور جواب داده و نتانیا‌هو رسماً عذرخواهی و اعلام کرد؛ درصد جبران خسارت وارده خواهد بود. ترکیه نیز از شکایت خود از نیروها و مقامات نظامی رژیم صهیونیستی درگیر صرف-نظر کرد؛ هرچند در سال ۲۰۱۴ به علت تهاجم رژیم اشغالگر به غزه، روابط طرفین مجدداً تیره شد (بزرگمهری، ۱۳۹۹: ۲۰-۱۸). رابطه‌ای که با حادثه مرمره در سال ۲۰۱۰ قطع شده بود، در واپسین ماه‌های سال ۲۰۱۶ با بهبود نسبی، تحت تأثیر همکاری در زمینه انرژی ادامه یافته و هرچند بار دیگر، مسائل فلسطین و به‌طور مشخص رسمیت یافتن بیت‌المقدس به‌عنوان پایتخت صهیونیست‌ها در سال ۲۰۱۸ از سوی آمریکا، منجر به تنزل روابط و حتی منجر به اخراج سفرای طرفین شد.

در مجموع، تحولات دور دوم که با همگرایی و واگرایی در روابط ترکیه و رژیم اشغالگر قدس همراه بوده، متأثر از رخدادهایی بود که در جدول زیر مشاهده می‌شوند.

جدول ۱: عوامل همگرایی و واگرایی روابط (۲۰۰۲-۲۰۲۲)

واگرایی مقطعی	همگرایی نسبی
مسئله کردها	نیاز به فناوری رژیم اشغالگر قدس
مسئله فلسطین و حمایت از مردم مسلمان	حذف ارتش‌های مهم عربی از صحنه منطقه (مصر، سوریه)
حل مسئله قبرس و بهبود روابط ترکیه با یونان	عدم تمایل به قطع رابطه
بهبود روابط ترکیه با سوریه	رقابت با ایران و سوریه
نزدیکی با ایران با قدرت‌گیری حزب عدالت و توسعه	نیاز ترکیه به آمریکا
سیاست نزدیکی به اعراب	نزدیکی به اروپا
تهاجمات رژیم اشغالگر قدس به غزه	

(منبع: کاری، ۱۳۹۲: ۶۸)

## عادی‌سازی روابط

با وجود ادامه سیاست‌های متناقض به‌خصوص از طرف ترکیه، در بازه زمانی مذکور، روند این ارتباط به سمت عادی‌سازی بوده و از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های جهت دهنده به این روند، می‌توان به گزینه‌های مورد اشاره در شکل زیر اشاره کرد.

عوامل جهت دهنده عادی‌سازی روابط (۲۰۱۸-۲۰۲۲)



## ۵- اهداف ترکیه از روابط با رژیم اشغالگر قدس

با وجود ماهیت گفت‌وگومانی اسلام‌محور حزب عدالت، توسعه و لزوم جبهه‌گیری آنان در مقابل صهیونیست‌ها، طیفی از اهداف جاه‌طلبانه در بین حاکمان این حزب، استفاده از قابلیت‌های رژیم اشغالگر قدس را همچنان حفظ کرده است.

### قدرت لابی رژیم اشغالگر قدس

لابی‌گری، به‌عنوان یکی از نقاط قوت صهیونیست‌ها، همواره مورد توجه دیگر کشورها از جمله ترکیه با توجه به نیاز این کشور، برای همراهی غرب و به‌طور مشخص آمریکا، جهت دریافت کمک‌های نظامی - اقتصادی، به رسمیت شناخته نشدن کشتار آرامنه و نادیده گرفتن نقض حقوق بشر مخصوصاً در قبال کردها بوده است. در واقع، لابی صهیونیسم در سیاست خارجی آمریکا به‌ویژه منطقه غرب آسیا، نفوذ چشمگیری دارد و به‌عنوان یکی از قدرتمندترین گروه‌های ذی‌نفوذ ایالات متحده تلاش می‌کند تا سیاست خارجی این کشور را در راستای منافع رژیم

اشغالگر قدس بکار گیرد (مرشایمر و والت<sup>۱</sup>، ۱۳۹۴: ۱۹). موضوع مهم دیگر برای ترکیه، پیوستن به اتحادیه اروپا بوده و با توجه به این که عنوان می‌شود، ۷۵ درصد از کل قوانین اتحادیه اروپا، تحت تأثیر لابی‌ها می‌باشد و وجود لابی‌های متعدد صهیونیستی؛ مانند «دوستان اروپایی اسرائیل» (EFI) که ادعا می‌شود، روزی به «آییک<sup>۲</sup>» اروپا تبدیل خواهد شد و به دلیل وجود منابع مالی قدرتمند، این لابی‌ها تأثیر شگرفی بر نمایندگان پارلمان اروپا دارند، ترکیه را هرچه بیشتر به ایجاد رابطه با رژیم اشغالگر قدس مجاب کرده است (یلدیز<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴: ۸).

## ظرفیت‌های اقتصادی

در طول تاریخ، دولت‌های با رشد قابل توجه مادی، در مدت زمان کوتاهی منافع سیاسی‌شان را در خارج از کشور بازتعریف کرده و از طریق افزایش بودجه نظامی، جنگ‌افروزی، بدست آوردن قلمروهای جدید، فرستادن سربازان و دیپلمات‌ها به فراتر از مرزها و شرکت در تصمیم‌گیری‌های قدرت‌های بزرگ آن را گسترش داده‌اند (ذکریا<sup>۵</sup>، ۱۳۹۸: ۱۶)؛ موضوعی که با توجه به بلندپروازی‌های ترکیه، مخصوصاً از زمان به قدرت رسیدن حزب عدالت، توسعه و در اولویت بودن رشد و توسعه اقتصادی برای این حزب، مورد توجه بوده و حتی این کشور را به سمت رژیم اشغالگر قدس، با وجود اختلافات بسیار سوق داده است. بر اساس داده‌های سازمان ملی و آمار ترکیه (TWK)، حجم مبادلات تجاری میان ترکیه و رژیم اشغالگر قدس، طی سالیان اخیر همواره افزایش داشته و این میزان در سال ۲۰۲۱، به رقم ۸/۴ میلیارد دلار رسیده است؛ آماري که با رشد ۳۵ درصدی آن نسبت به سال قبل و با رقم ۶/۴ میلیارد دلار برای ترکیه، بیشترین میزان در تاریخ بوده و در مقابل، واردات ۲/۱ میلیارد دلار از رژیم اشغالگر قدس را داشته است (خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۰). علاوه بر فعالیت‌های تجاری و بازدید سالانه چندین هزار گردشگر و درآمدهای بالای این بخش برای ترکیه، موافقتنامه تجارت آزاد با رژیم اشغالگر قدس می‌تواند علاوه بر منفعت مستقیم، مزایای دیگری را برای شرکت‌های ترکیه به دنبال داشته باشد؛ چرا که با توجه به موافقتنامه تجارت آزاد صهیونیست‌ها با آمریکا، فرصتی را برای رسیدن به بازارهای ایالات متحده برای مؤسسات تجاری ترکیه فراهم می‌کند (کادیرسائوا و دامن<sup>۶</sup>، ۲۰۲۲، ۲۳۱).

1. Mearsheimer and Waltz
2. European Friends of Israel
3. AIPAC
4. Yildiz
5. Zakaria
6. Kadirsaeva and Daman

## حمایت‌های رژیم اشغالگر قدس از آذربایجان

ترکیه و آذربایجان، به دلایل پیوندهای نزدیک و مشترک قومی، زبانی و فرهنگی، به‌عنوان «یک ملت دو کشور» شناخته شده و ترکیه، نفوذ در قفقاز را به‌عنوان بخشی از برنامه دنیای ترک خود دانسته و در این میان، به زعم آن‌ها آذربایجان جدا شده از ایران، در خط مقدم تحقق این سیاست قرار دارد. سیاستی که با تحولات قره‌باغ و شکست آذربایجان از ارمنستان در دهه پایانی ۱۹۸۰، با حساسیت بیشتری دنبال شده است. از طرفی، ترکیه به‌عنوان یک قدرت رو به رشد منطقه‌ای که سودای نفوذ هرچه بیشتر در منطقه قفقاز را دارد و این امر، در گرو همکاری و روابط دوستانه با همسایگان، از جمله ارمنستان است، همواره برای حفظ جایگاه خود از دخالت مستقیم در امور منطقه‌ای خودداری کرده است. جهت رفع این چالش، ترکیه به توسعه روابط با رژیم اشغالگر قدس، اقدام و علاوه بر کسب نتایج مطلوبی؛ مانند موقعیت قدرتمند در موازنه منطقه‌ای و گسترش همکاری‌های نظامی و انرژی با صهیونیست‌ها، با همکاری این رژیم و بکارگیری فناوری‌های نظامی مدرن آن‌ها، با انجام عملیات مشت آهنین، به درهم شکستن خطوط دفاعی ارمنستان و آزادسازی موفقیت‌آمیز بسیاری از مناطق از دست رفته آذربایجان بدون دخالت مستقیم اقدام کردند (ولی‌اف<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱).

## تشکیل بلوک‌بندی‌های جدید منطقه‌ای

حادثه ۱۱ سپتامبر، در آغاز قرن بیست و یکم و متعاقب آن، بهار عربی و حضور گسترده‌تر قدرت‌های بزرگ؛ از جمله آمریکا در منطقه غرب آسیا و حوادثی مانند شکل‌گیری بلوک جدیدی به نام جبهه مقاومت که با توجه به اختلافات هویتی و عقیدتی، مطلوب ترکیه نبوده و به نوعی به‌عنوان قدرت رقیب و محل توازن منطقه‌ای مورد نظر ترکیه عمل کرده است، با وجود زمینه‌های واگرایی بین ترکیه را مجبور کرده، برای عبور از بن‌بست کنونی، راه‌های توسعه روابط با صهیونیست‌ها را پیگیری کنند. ترکیه که در سالیان آغازین حاکمیت (AKP)<sup>۲</sup> و قبل از بهار عربی، سیاست خود را با این فرض آغاز کرده بود که با تکیه بر قدرت نرم و بتدریج قدرت سخت خود، توازن قوا در منطقه غرب آسیا به نفع این کشور تغییر دهد، با این حال اوضاع غیرمنتظره بعد از بهار عربی، به دلیل تعمیق چرخه خشونت در عراق و سوریه، ترکیه را با یک موقعیت راهبردی نسبتاً نامطلوب روبرو کرد. از طرفی دیگر، برای تثبیت دستاوردهای خود در لیبی و همچنین دستیابی به اهدافش در رقابت ژئوپلیتیکی شرق مدیترانه، باید به انزوای کنونی خود پایان و اتحاد نوپای ضد ترکیه در منطقه را بشکند؛ موضوعی که مانند وضعیت این کشور در منطقه غرب آسیا می‌تواند از طریق توسعه روابط با رژیم اشغالگر قدس جبران شود (کارداس<sup>۳</sup>، ۲۰۲۱).

1. Veliyev
2. Adalet ve Kalkınma Partisi
3. Kardas

## همکاری‌های نظامی و امنیتی

رژیم اشغالگر قدس، به‌عنوان قدرت نظامی و اطلاعاتی و برخورداری از مدرن‌ترین تجهیزات و قابلیت‌ها در این زمینه، به شریکی قابل توجه در زمینه‌های نامبرده برای ترکیه تبدیل شده است. فناوری نظامی برای ترکیه، به‌منظور پوشش مؤثرتر مرزهای مشکل‌آفرینش با عراق و سوریه، ضروری است؛ چرا که کردهای جدایی‌طلب، از این مرزها با هدف انجام حملاتی علیه مواضع ترکیه استفاده و به خاک این کشور نفوذ می‌کنند. در نتیجه، سرمایه‌گذاری صهیونیست‌ها در تجهیزات دفاعی و نظامی ترکیه، برای آنکارا بسیار مهم بوده و لذا کماکان به رابطه با رژیم اشغالگر ادامه می‌دهند (سنایی، ۱۳۹۰: ۲۴)؛ موضوعی که این کشور را به دومین میزبان بزرگ کارخانه‌های دفاعی رژیم اشغالگر قدس تبدیل کرده است. ترکیه، همچنین با داشتن نگرانی‌های مشترکی؛ از جمله هسته‌ای شدن ایران، از اواخر دهه ۱۹۷۰، قراردادهای نظامی به ارزش ۹۰۰ میلیون دلار برای نوسازی هواپیمای F4 فانتوم و F5 و ۶۷۸ میلیون دلار برای ارتقای تانک‌های M۱A۶ خود با رژیم اشغالگر قدس امضا کرده و در مواردی، علاوه بر قراردادهای نظامی، همکاری‌های دیگری؛ نظیر مبادله خلبانان نظامی بین طرفین را نیز شامل می‌گردد (فارس، ۲۰۲۱: ۱).

## ۶- اهداف رژیم اشغالگر قدس از رابطه با ترکیه

صهیونیست‌ها به‌دلیل وجود حکومت‌های ائتلافی، سیاست خارجی یکنواختی را پیگیری نمی‌کنند (اولوتاس، ۲۰۱۰: ۸)، اما علیرغم سیاست‌های متناقض اشاره شده، اهمیت راهبردی رابطه با ترکیه و منافع گوناگون حاصل از آن را درک و به‌دلایل مطروحه همچنان این ارتباط را به‌صورت پایدار حفظ کرده‌اند.

## همکاری در حوزه انرژی و آبی

انرژی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف ترکیه و رژیم اشغالگر قدس برای همکاری در سالیان اخیر بوده و به‌عنوان یک تغییر دهنده بازی در روابط طرفین در سایر زمینه‌ها نیز از آن یاد می‌شود. رژیم اشغالگر قدس، با توجه به در اختیار نداشتن منابع قابل توجه نفتی و متکی بودن به واردات این محصول و از طرفی مشکلات خود با اعراب و ایران به‌عنوان تولیدکنندگان برجسته نفتی، مجبور به تغییر اولویت‌های تأمین انرژی خود شده که در این زمینه می‌توان به همکاری صهیونیست‌ها با ترکیه و آذربایجان برای ساخت خط لوله باکو - تفلیس - جبهان (TCB) که نفت را از دریای خزر به اروپا، انتقال داده و مسیر قابل اطمینانی برای تأمین انرژی رژیم اشغالگر

1. Faras
2. Ulutas

قدس تلقی می‌شود، اشاره کرد (مورینسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸: ۵۰). از طرف دیگر، وجود منابع گازی در مدیترانه شرقی، فراتر از نیاز داخلی رژیم اشغالگر و لزوم سرمایه‌گذاری کلان مورد نیاز در این حوزه، همکاری با کشورهای منطقه مخصوصاً ترکیه را برای صهیونیست‌ها ضروری می‌سازد؛ چرا که علاوه بر کاتالیزوری برای شکوفایی روابط و کاهش تنش با صادرات گاز به ترکیه و همچنین استفاده از موقعیت جغرافیایی این کشور برای صادرات گاز به اروپا، از مزایای اقتصادی آن بهره‌مند می‌شوند (اسلیم<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷: ۴۲). در کنار انرژی، آب به‌عنوان یکی از متغیرهای تأثیرگذار در تعاملات منطقه‌ای، با توجه به عدم وجود منابع ثابت آبی در رژیم اشغالگر قدس و همچنین ذخایر کافی این محصول در ترکیه، توسعه روابط را با این کشور جهت جلوگیری از بحران آبی، برای صهیونیست‌ها ضروری کرده؛ به طوری که گفته می‌شود، سیاست خارجی رژیم صهیونیستی در قبال ترکیه به میزان زیادی در راستای رسیدن به منابع آبی می‌باشد (علیزاده، ۲۰۱۳: ۶-۲).

### خروج از انزوا

مشکلات متعدد امنیتی ناشی از انزوای جغرافیایی و قرار گرفتن در میان طیفی از دشمنان، اشغالگران قدس را همیشه به دنبال راه برون‌رفتی از این معضل کشانده است. این موضوع باعث شده تا سران این رژیم، از سالیان ابتدایی تشکیل و با طرح دکترین پیرامونی از ترکیه، به دلیل هویت غیرعرب، سکولار و غربی‌اش به‌عنوان یک دریچه امید برای خروج از انزوای تحمیلی جغرافیایی استفاده کنند. به‌علاوه، حضور راهبردی صهیونیست‌ها در باکو و اربیل در هم‌جواری مرزهای ایران، قطعاً بدون موافقت ترکیه حاصل نخواهد شد (اوغوزلو<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰: ۲۲۶-۲۱۸). در واقع در دهه‌های گذشته، برای رژیم اشغالگر قدس، رابطه با ترکیه در همه زمینه‌ها به‌عنوان یک منبع قابل اتکا و مشروعیت‌بخش داخلی و بین‌المللی در نظر گرفته شده و از طرفی با توجه به ماهیت شکل‌گیری و اقدامات صهیونیست‌ها در فلسطین که باعث انزوا و محکومیت بین‌المللی این رژیم شده است، داشتن رابطه دیپلماتیک با ترکیه به‌عنوان یک کشور مسلمان با موقعیت بین‌المللی، یک هدف برتر از دیدگاه سیاست خارجه رژیم اشغالگر قدس محسوب شده است (السفتاوی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶: ۱۲).

1. Murinson
2. Aslim
3. Oguzlw
4. Alsaftawi

## توازن قوا در منطقه

رژیم اشغالگر قدس به‌عنوان بازیگری نامتجانس در منطقه غرب آسیا، با کمترین تغییرات قدرتی در منطقه، خود را در معرض آسیب می‌بیند. تغییراتی که مخصوصاً در سالیان اخیر و به‌دنبال شکل‌گیری جبهه مقاومت و افزایش قدرت و تثبیت موقعیت مخالفان صهیونیست‌ها؛ مانند انصارالله در یمن، حزب‌الله در لبنان، باقی ماندن حکومت بشار اسد در سوریه، قدرت‌گیری گروه‌های شیعه حامی ایران در عراق و همچنین قبول خود ایران به‌عنوان یک قدرت هسته‌ای از سوی غرب، تشدید شده است؛ مسائلی که نشان از تغییر سریع و عدم اطمینان از توانایی‌های بازیگران منطقه غرب آسیا دارند و شگفتی‌های راهبردی که هنوز هم می‌تواند اتفاق بیفتند را در پیش دارد. این امر، باعث افزایش نگرانی رژیم اشغالگر قدس شده و آن را نیازمند آماده‌سازی برای انواع سناریوها بویژه از نوع بدترین حالت کرده است (اینبار<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲: ۶۳). از طرفی، کاهش حضور آمریکا در منطقه غرب آسیا به‌عنوان اصلی‌ترین حامی منطقه‌ای اشغالگران قدس، کفه ترازوی موازنه قوا، به شکل بیشتری به سوی مخالفان سنگینی کرده و صهیونیست‌ها را به استحکام بیشتر رابطه با ترکیه سوق داده است؛ چرا که ترکیه به‌عنوان قدرتی منطقه‌ای، از بهم خوردن توازن قوا به نفع دشمنان هویتی خود خشنود نبوده و در سالیان اخیر از کمترین اقدامی علیه زمین‌گیر کردن محور مقاومت خودداری نکرده است.

## منزوی کردن ایران و حماس

ترکیه، به‌دلیل همسایگی با ایران و همبستگی هویتی با حماس، به‌عنوان دشمنان وجودی رژیم اشغالگر قدس، می‌تواند برای ناکامی آنان به اسرائیل کمک کند. ترکیه، با وجود هم‌پیمانی با غرب و عضویت در ناتو، برخلاف آنان، حماس را یک گروه تروریستی نمی‌داند و علاوه بر کمک سیاسی و مالی، به بسیاری از اعضای حماس، اجازه فعالیت در این کشور را داده که از جمله آنان، می‌توان به صالح‌العاروی، مردی که حماس او را بنیان‌گذار گروه‌های عزالدین قسام معرفی و از او به‌عنوان رئیس عملیات حماس با منشأ ترکیه نام برده می‌شود، اشاره کرد. درواقع ترکیه به‌عنوان کشوری پایه جهت برنامه‌ریزی عملیات و همچنین آموزش نظامی اعضای حماس، جهت زیرساخت این گروه عمل می‌کند (سکولوا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶: ۲۲-۱۹)؛ موضوعی که نمی‌تواند از سوی رژیم اشغالگر قدس نادیده گرفته شود. از طرفی دیگر، نزدیکی هرچه بیشتر ایران در سالیان اخیر به مرزهای اشغالگران قدس؛ مانند بلندی‌های جولان به‌عنوان خطر واقعی برای امنیت رژیم اشغالگر که علاوه بر حفظ بشار اسد به‌عنوان دشمن این رژیم، احتمال حمله ایران با همکاری گروه‌های هم‌پیمان آن به صهیونیست‌ها را افزایش می‌دهد. با توجه به حساسیت متقابل

1. Inbar  
2. Sekulaw



ترکیه، از نفوذ فزاینده ایران در منطقه، رژیم اشغالگر قدس را بر آن داشته تا برای منزوی کردن ایران، به بازسازی روابط با ترکیه تن دهد (اولگول<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹: ۱۳۶).

### حل بحران فلسطین و مشروعیت میان مسلمانان

پیشینه ارتباط ترکیه با سرزمین‌های اشغالی که با سلطه ۴۰۰ ساله عثمانی‌ها و همچنین همسبستگی هویتی با فلسطینیان، این کشور را همواره با تحولات فلسطین مرتبط کرده است؛ موضوعی که از دید صهیونیست‌ها پنهان نمانده و با توجه به جدی‌ترین دغدغه این رژیم؛ یعنی حل مسئله فلسطین، ترکیه می‌تواند با توجه به سابقه تاریخی رابطه با فلسطین و همچنین حمایت‌های کنونی از آن، در حل این موضوع به رژیم اشغالگر قدس کمک کند. از طرفی دیگر، با توجه به ماهیت گفتمانی اسلام در ترکیه که عاری از افراط‌گرایی بوده و به‌نوعی به‌عنوان اسلام پاک از آن یاد می‌شود، می‌تواند به اشغالگران قدس در مقابل جریان رادیکال اسلامی کمک کند. علاوه بر موارد فوق، گسترش روابط با ترکیه به‌عنوان یکی از قدرت‌های اصلی اسلامی، افزون بر تقویت وجهه رژیم اشغالگر قدس در میان مسلمانان، به نفوذ بیشتر آن در منطقه غرب آسیا و حتی در عرصه بین‌المللی خواهد انجامید (اوزتورک<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴: ۷۰).

### ۷- سیاست‌های اعلامی و اعمالی؛ افشای پشت پرده روابط راهبردی ترکیه و رژیم اشغالگر قدس

با توجه به آنچه تاکنون بررسی شده است و وجود تنش‌ها و لفاظی‌های اعلام شده فراوان در رابطه رژیم اشغالگر قدس و ترکیه که حتی تا مرحله اخراج سفیر و قطع روابط پیش رفته و در مقابل مشاهده شدن عناوین پرشمار زمینه‌های همکاری پایدار دو کشور در عمل، بررسی و تحلیل آنچه با وجود همکاری عملی، نقاط اختلافی طرفین اعلام شده و همواره از نظر آنان نقاط افتراق این ارتباط بوده، ضروری به نظر می‌رسد؛ چرا که بررسی این تناقض و آیا واقعاً نقاط اختلافی ادعایی طرفین با حسن‌نیت دنبال شده و به‌عنوان مانع عادی‌سازی روابط عمل کرده‌اند، به تبیین بهتر فرضیه و موضوع مقاله حاضر کمک می‌کند. در این راستا، ضمن ذکر عناوین اختلافی به واکاوی و تبیین این موارد در جهت درستی یا نادرستی ادعاهای دو کشور و نتیجه‌گیری صحیح‌تر این موضوع پرداخته می‌شود.

1. Ulgul  
2. Ozturk

## سیاست‌های اعلامی و اعمالی ترکیه

سیاست‌گذاری عمومی به‌ویژه خارجی را می‌توان عرصه تضاد و ناسازگاری سیاست‌های اعلامی و اعمالی دانست که نمونه‌های زیادی از آن‌ها به‌صورت روزانه قابل مشاهده بوده و به‌عنوان رویه‌ای عادی در میان قدرت‌های جهانی تا ضعیف‌ترین دولت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. تاکتیکی که به سرلوحه سیاست ترکیه در سالیان اخیر تبدیل شده و آن را در موارد متعدد؛ از جمله موارد ذیل و در روابط با رژیم اشغالگر قدس به منصفانه ظهور گذاشته است.

### دفاع از آرمان فلسطین

موضوع فلسطین، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اختلافات ترکیه و صهیونیست‌ها برای عدم عادی‌سازی روابط عنوان شده است؛ چرا که از طرفی با توجه به ادعای رهبری جهان اسلام از سوی ترکیه، معرفی این کشور به‌عنوان قهرمان آرمان فلسطین، به یکی از اهداف اصلی سیاست خارجی ترکیه تبدیل شده و از سوی دیگر، انکار وجود دو دولت در سرزمین‌های اشغالی از سوی صهیونیست‌ها، علاوه بر ایجاد دو سیاست موازی، موجب تیرگی روابط و حتی تهدید به قطع کامل ارتباطات شده است. ترکیه که تحت عنوان دکترین عمق راهبردی به سوی منطقه غرب آسیا گرایش پیدا کرده، در اصل دوم؛ دکترین مذکور خود را علاوه بر منطقه غرب آسیا در جهان اسلام، قدرتمند تصور کرده و با ادعای پوشیدن ردای حفاظت از مسلمانان جهان، عنوان می‌کند تنها در سایه همکاری مسلمانان سراسر جهان به قدرتی بزرگ تبدیل شده و در این راستا، همواره دیدگاه‌های ضد صهیونیستی به الگوی غالب صاحب‌نظران و اتاق‌های فکر حزب عدالت و توسعه تبدیل شده است. اما آنچه در عمل مشاهده شده است، استفاده از کارت-بازی فلسطین به‌عنوان یک مسئله شخصی برای اردوغان و یک مسئله ملی برای بهره‌برداری ترکیه بوده تا علاوه بر معرفی این کشور به‌عنوان قدرتی پیشرو در منطقه غرب آسیا، بر مشروعیت اسلامی خود افزوده و زیرساخت‌های نفوذ اقتصادی در منطقه ایجاد کند؛ لذا حمایت این کشور از گروه‌هایی مانند حماس، صرفاً تصمیمی راهبردی برای تأثیرگذاری بر امور منطقه غرب آسیا از طریق بازیگران غیردولتی است. علاوه بر این، ترکیه با برافراشتن پرچم پوپولیستی حمایت از فلسطین و معرفی خود به‌عنوان بازیگری اخلاقی، می‌تواند بر سیاست‌های سرکوب‌گرانه خود؛ از جمله علیه اقلیت کرد در این کشور سرپوش بگذارد. مواردی که همگی نشان‌دهنده سیاست ترکیبی از ایدئولوژی، پوپولیسم و احساس‌گرایی ترکیه بوده و نشان‌دهنده ناتوانی این کشور جهت حمایت از آرمان فلسطین به‌عنوان یک هدف اساسی می‌باشد (باراک و کارمون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸: ۷۴-۸۲). مواردی که با عادی‌سازی روابط با رژیم اشغالگر قدس، علیرغم عدم انجام شرط ترکیه مبنی بر رفع محاصره غزه از سوی این رژیم، پس از بحران کشتی مرمره، کمک همیشگی جهت حمایت مالی فلسطین

1. Barack and Karmon

توسط قطر و کمک به برقراری آتش‌بس بین رژیم اشغالگر و فلسطینیان توسط مصر، افزایش حجم مبادلات اقتصادی با صهیونیست‌ها، همزمان با پیشنهاد تحریم تجارت با این کشور به دلیل پایتختی بیت‌المقدس، میزبانی از رئیس‌جمهور رژیم اشغالگر قدس در بحبوحه تنش گروه‌های مقاومت با رژیم اشغالگر و اعتماد ۳۵ درصدی مردم غزه به اردوغان حتی در اوج حمایت ترکیه از فلسطین و... صوری بودن اختلافات رژیم اشغالگر قدس و ترکیه بر سر فلسطین و لفاظی‌های ترکیه در حمایت از آرمان فلسطین را تأیید می‌کند.

### حافظ امنیت پایدار منطقه

رابطه ترکیه به‌عنوان کشوری که از آن با نام لنگر ثبات در منطقه غرب آسیا یاد می‌شود، با رژیم اشغالگر قدس به‌عنوان بازیگری که از ابتدایی‌ترین سالیان تشکیل یکی از عوامل اصلی ناامنی در منطقه بوده و علاوه بر جنگ‌های متعدد با اعراب، به ناامن کردن سایر کشورها نیز اقدام کرده است. از دیگر تناقضات، سیاست‌های اعلامی و اعمالی ترکیه در قبال صهیونیست‌ها بوده و در تضاد آشکار با آنچه ظاهراً از سوی ترکیه تلاش برای ایجاد ثبات در منطقه غرب آسیا از سوی سران این کشور بیان می‌شود، می‌باشد. موضوعی که برخلاف اعلام مقامات این کشور مبنی بر حفظ امنیت و ثبات منطقه غرب آسیا توسط ترکیه بوده و آنچه در عمل مشاهده و در دکنترین امنیتی ترکیه ذکر شده جهت موازنه قوای منطقه و متعاقباً خودمختاری استراتژیک ترکیه، بدون توجه به جغرافیای استراتژیک منطقه و با توجه به در اولویت بودن امنیت خودی تا امنیت منطقه‌ای، همکاری با هر بازیگری جهت تأمین امنیت این کشور قابل توجیه بوده و این همکاری می‌تواند رژیم اشغالگر قدس به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی تهدید کننده امنیت منطقه باشد و در این راستا، اردوغان برخلاف لفاظی‌های همیشگی مبنی بر مقابله با عوامل مخدوش کننده نظم منطقه غرب آسیا، اعلام می‌کند صمیمانه بر این باورم همکاری با رژیم اشغالگر قدس به‌گونه‌ای توسعه خواهد یافت که در راستای منافع ملی متقابل و همچنین صلح و ثبات منطقه باشد (باسیست<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲).

### تقویت پایگاه داخلی با جلب افکار عمومی

سیستم اقتدارگرا و شخص‌مدار، برخلاف پسوند عدالت و سقوط در اکثر شاخص‌های اقتصادی و برخلاف پسوند توسعه، با وجود دستاوردی اقتصادی و سیاسی سالیان نخست حاکمیت حزب عدالت و توسعه، محبوبیت حزبی و شخصی اردوغان را به شدت خدشه‌دار کرده است. در این میان، کشف بدیع اردوغان این بوده که دولت یهود را به هدف تبلیغاتی برای خودبزرگ‌بینی شخصی تبدیل و احساسات ملی‌گرایانه و مذهبی را تحریک و توجه را از مشکلات داخلی منحرف کند. در این راستا، لفاظی‌های اسلام‌محوری و ضدصهیونیستی،

1. Bassist

فرصت‌طلبی و جهت‌بزرگ‌نمایی خود و دوام حکومت و محبوبیتش بوده است؛ چرا که بر اساس نظرسنجی‌ها علاوه بر نگاه منفی ۸۶ درصدی، تنها ۲ درصد مردم ترکیه از رژیم اشغالگر قدس حمایت و با ۱۴ درصد، پس از آمریکا دومین تهدیدکننده امنیت ملی ترکیه پس از آمریکا می‌باشد. بنابراین برخلاف آنچه در عمل انجام شد و معرفی رژیم اشغالگر به‌عنوان یکی از شرکای اصلی اقتصادی و همچنین رفت و آمدهای سیاسی، با استفاده از کارت بازی اشغالگران قدس، همواره و در حوادثی مانند اعتراضات پارک گزی در سال ۲۰۱۳، کودتای سال ۲۰۱۶ و بحران اقتصادی سالیان اخیر ترکیه، با معرفی صهیونیست‌ها به‌عنوان تحریک‌کننده اقدامات فوق، علاوه بر انحراف در مورد گفتمان داخلی، به سرکوب مخالفان نیز اقدام کرده است. به‌عنوان مثال؛ در مقابل درخواست رییس اپوزیسیون برای انتخابات زودهنگام، از سوی مدیر ارتباطات ریاست جمهوری عنوان می‌شود که «وقتی غزه خون‌گریه می‌کند، انتقادات بی‌ارزش سیاسی را انجام می‌دهند» (اشتراوس و دانیل، ۲۰۲۱: ۱۲).

### سیاست‌های اعلامی و اعمالی رژیم اشغالگر قدس

صهیونیست‌ها، با وجود بهره‌مندی از مجموعه‌ای از قوانین اساسی، اما به‌دلیل عدم وجود قانون اساسی ثابت، زمینه بیشتری برای تفاوت سیاست‌های اعلام شده و اعمالی داشته که در ادامه به مهم‌ترین آنان در رابطه با ترکیه اشاره می‌شود.

#### جلب حمایت‌گردها

مسئله کرد، به‌عنوان یکی دیگر از اصلی‌ترین اختلافات اعلام شده همیشگی میان رژیم اشغالگر قدس و ترکیه بوده است. حمایتی به زعم صهیونیست‌ها تمام‌معنا از کردها که همیشه روابط با طرف ترک را دچار تنش کرده است. ادعایی که در طول تاریخ، اقدامات عملی اسرائیل مانند کمک به دستگیری عبدالله اوجالان، یکی از رهبران برجسته کرد، توسط ترکیه و همچنین باوجود حمایت‌های ظاهری از استقلال کردها در شمال عراق که ترکیه از تئوری توطئه بزرگ برای ایجاد کردستان بزرگ به‌وسیله صهیونیست‌ها یاد می‌کند، اما سکوت در عمل و از دست دادن بسیاری از داشته‌های این گروه در اقلیم کردستان، خلافتش ثابت شده است. موضوعی که یکی از روزنامه‌های معتبر صهیونیستی؛ یعنی هارتس در گزارشی این تناقض را به‌خوبی روایت می‌کند. در این گزارش، نویسنده که در ابتدا نسبت به جمله کوه‌ها تنها دوست کردها هستند، انتقاد کرده و از رژیم اشغالگر قدس به‌عنوان تنها کشوری که همیشه در کنار کردها ایستاده، یاد می‌کند و برای تأیید ادعای خود به مخالفت با ترامپ رئیس‌جمهور وقت آمریکا، جهت اجازه به ترکیه برای حمله به کردها در سوریه و همچنین مقابله با پاکسازی قومی کردها از سوی ترکیه اشاره می‌کند. نویسنده، همچنین کمک به کردهای سوریه در مقابل ترکیه، از طریق کانال‌های

متعدد و تظاهرات مردمی در رژیم اشغالگر برای حمایت از کُردها اشاره می‌کند؛ در حالی که خود اعتراف می‌کند که کانال‌های نامبرده جهت کمک به مخالفان ایران، بشار اسد و تظاهرات‌های مردمی، صرفاً در پاسخ به حمایت‌های ترکیه از فلسطینیان بوده است. در ادامه گزارش آمده است؛ اتحادهای راحت از سیاست‌های رژیم اشغالگر قدس برای غلبه بر مشکلات بوده و با اشاره به چشم و گوش بودن کُردها برای صهیونیست‌ها در منطقه؛ از جمله برای مقابله با ایران، کمک کردها به قاچاق یهودیان از بغداد به رژیم اشغالگر قدس و واردات ۷۵ درصدی نفت این کشور از اقلیم کردستان و در پایان اعتراف می‌کند، کمک به کُردها ناچیز بوده و با چرخش ۱۸۰ درجه‌ای از ادعای خود در ابتدای گزارش، کوه‌ها را تنها دوست کُردها می‌داند (فاجه<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹).

### ژست طرفداری از حقوق بشر و دموکراسی

رژیم اشغالگر قدس، به‌عنوان مدعی تنها دموکراسی منطقه غرب آسیا، موضوعی که ایلان پاپه<sup>۲</sup>، مورخ سرشناس این رژیم، در کتابی با همین مضمون، این ادعا را در زمره یکی از ده دروغ مشهور درباره رژیم صهیونیستی ذکر کرده و به‌علت اقدامات متعددی؛ از جمله نقض حقوق اقلیت‌ها، اذعان می‌کند حتی با هیچ خیال‌پردازی گسترده‌ای، این رژیم یک دموکراسی تلقی نمی‌گردد (پاپه، ۱۳۹۸: ۱۷۲). همواره نقض حقوق بشر؛ از جمله قتل‌عام کُردها، اشغال قبرس شمالی، سرکوب اپوزیسیون و ... را از جمله موانع ارتباطش با ترکیه می‌داند. صهیونیست‌ها که خود از ناقضان حقوق بشر و همواره به‌دلیل تصاعد خشونت در فلسطین رخ می‌دهد، مورد سرزنش بوده، اما ظاهراً و به اقتضای شرایط به‌وسیله مقامات و رسانه‌های خود به اقدامات ضد حقوق بشری ترکیه معترض شده و برنامه‌هایی؛ مانند طرح کنست برای به رسمیت شناختن کشتار ارامنه توسط ترکیه با وجود آن که با همان ارامنه در پشتیبانی از آذربایجان می‌جنگد، سعی در برجسته کردن این اختلاف داشته است؛ اقداماتی که موجب سرپوش گذاشتن بر برنامه‌های ناقض حقوق بشری خود در فلسطین و نمایش چهره‌ای برتر از این حیث در منطقه غرب آسیا و جهان برای رژیم اشغالگر قدس می‌شود. اما آنچه مشخص است، چنین نمایشی بخشی از یک بازی سیاسی در حال انجام بوده و حمله به دموکراسی و حقوق بشر طرف مقابل لفظی بوده؛ چراکه رهبران رژیم صهیونیستی برای دفاع از عناوین مذکور، نام زیادی برای خود فراهم نکرده‌اند (کریستین<sup>۳</sup>، ۲۰۱۷). همان‌گونه که بررسی شد، اقدامات فوق لفاظی‌ای بیش نبوده و مانعی برای رابطه با ترکیه ایجاد نکرده است؛ چرا که صهیونیست‌ها که مدعی حمایت حقوق بشری از جمله در مورد کُردها بوده، برای مهار همان گروه به ترکیه تجهیزات اطلاعاتی می‌دهد و همچنین با

1. Fache  
2. Ilan Pappe  
3. Kristin

وجود ادعای به رسمیت شناختن کشتار ارامنه، برای شکست ارمنستان در مقابل آذربایجان و با کمک ترکیه از هیچ کوششی دریغ نمی‌کند.

### تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

سیاست دوگانه ترکیه و رژیم اشغالگر قدس که روزی اعراب، فلسطین و روزی کردها را به‌عنوان دلایل نزولی بودن روابط ذکر کرده‌اند، اما یافته‌های پژوهش حکایت از وجود پیوند عمیق ترکیه و رژیم اشغالگر قدس، با کمک به ورود صهیونیست‌ها به منطقه از سوی ترک‌ها، طولانی‌ترین رابطه رسمی یک کشور مسلمان با اشغالگران قدس، اوج تجارت در اوج تنش، واکنش صرف به رویدادهای تنش‌آفرین و غلبه منافع و قدرت سخت بر ایدیولوژی و قدرت نرم حاکم بر طرفین داشته است. با تجزیه و تحلیل این داده‌ها به نظر می‌رسد؛ با وجود نمایش ظاهری، ترکیه و رژیم اشغالگر قدس از رویدادهای منطقه‌ای در جهت مخالف اهداف گسترده و بلندمدت خود از این ارتباط، تأثیر نگرفته و تغییر شرایط ژئوپولیتیک و پارادایم‌های فکری حاکم بر طرفین، این متحدان طبیعی را برای مقابله با دشمنان مشترک منطقه‌ای؛ مانند محور مقاومت و جلوگیری از برهم خوردن توازن قوا منطقه غرب آسیا توسط کشورهای فرامنطقه‌ای؛ مانند روسیه و اهداف بزرگتر و پشت پرده مانند تکمیل پروسه پان‌ترکیسم یا همان نوع‌ثمانی‌گری ترکیه و سلطه بر نیل تا فرات از سوی صهیونیست‌ها، باز نداشته است. علاوه بر این، ترکیه به‌طور پنهانی برای رسیدن به مقاصد خود، فارغ از ادعای هویت اسلامی حتی با وجود تکمیل پروژه اشغالگری صهیونیست‌ها با انتخاب بیت‌المقدس به‌عنوان پایتخت این رژیم و نقطه اختلاف اصلی ترکیه و رژیم اشغالگر قدس، در عمل همزمان با وجود لفاظی‌های اولیه به عادی‌سازی و استحکام روابط با اشغالگران قدس اقدام کرده و همچنین با وجود ادعای دفاع از ارزش‌های اسلامی و کمک به توازن قوا و امنیت منطقه‌ای، به سوی مثلث شوم عبری-عربی-مسیحی و در جهت اهداف بلند مدت خود حرکت کرده و در طرف مقابل رژیم اشغالگر قدس نیز برخلاف ادعاهای تنش‌ی روابط، با همکاری با ترکیه، تلاش کرده تا خود را از وضعیت آشفته امنیتی، با توجه به جایگاه منطقه‌ای و جهانی ترکیه، خارج و در موضع قدرت قرار دهد. اهداف بلند مدت دو طرفه که می‌تواند همه را قربانی کرده و پیوند عمیق طرفین جدای از درگیری عملی در موضوعات حاشیه‌ای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای؛ از جمله مسلمانان، فلسطین، کردها و حقوق بشر را لازم داشته و هیچ خط قرمزی توان بازداشتن ارتباطات چندلایه امنیتی-اطلاعاتی، اقتصادی و ... ترکیه و رژیم اشغالگر قدس را با وجود حرکت این قایق در آب‌های به‌ظاهر نامتلاطم روابط، ندارد.

## نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، با هدف بررسی پایداری روابط ترکیه و رژیم اشغالگر قدس، با وجود عوامل ناپایدارکننده و تنش‌زا در مناسبات بین آنان، صورت گرفته است. بر اساس آنچه آمد، تفاوتی تأمل‌برانگیز بین متن و حاشیه این ارتباط وجود داشته و با وجود رویارویی اعلامی، در مقام عمل، ارجحیت همکاری و در بسیاری از زمینه‌ها؛ از جمله ابعاد نظامی، اقتصادی، فرهنگی و... نه تنها توقف ارتباطی وجود نداشته، بلکه آمارها حکایت از افزایش مبادلات در عناوین مذکور دارند. مواردی که همگی در راستای نظریه پژوهش؛ یعنی الگوی آشوب بوده و با مفروضات این نظریه، مبنی بر نظم در بی‌نظمی قابل توجیه است؛ چرا که بر اساس آنچه در پژوهش به اثبات رسید، با وجود اختلال ظاهری و پیش‌بینی ناپذیری روابط ترکیه و رژیم اشغالگر قدس، در واقعیت و در لایه پنهان این ارتباط، نظم خاصی و قابل پیش‌بینی وجود داشته است. با وجود اعلام اسلام‌محوری و در اولویت بودن آرمان فلسطین در سیاست ترکیه، اما آنچه در عمل مشاهده شده است، ماهیت واقعی اسلام‌گرایان در ترکیه نامشخص بوده و این کشور با داشتن هویتی چندگانه که به فراخور منفعت بروز می‌دهد، دخالت در مسئله فلسطین و جهان اسلام را تنها برای تبدیل شدن به یک نیروی تأثیرگذار منطقه‌ای انجام داده و لفاظی‌های پوپولیستی آن صرفاً برای خدمت به اهداف سیاست داخلی و منطقه‌ای این کشور می‌باشد. در واقع، ترکیه برای تقویت موقعیت استراتژیک و افزایش فرصت‌های اقتصادی خود، نزدیک شدن به اشغالگران قدس را منطقی می‌داند و وجود مخالفت‌های ظاهری و تنزل سطح روابط با اسرائیل، صرفاً برای کاهش سوءظن اعراب و ایران بوده است. در مقابل، برای صهیونیست‌ها، ترکیه به‌عنوان تنها بازیگر منطقه که توانایی متعادل کردن ایران را داشته و همکاری با این کشور به معنای نقض محاصره اقتصادی و سیاسی آنان می‌باشد، اختلافات عنوان شده با ترکیه را در همان درگیری‌های لفظی متوقف کرده است. علاوه بر این، اختلافات در سطح دوجانبه نبوده تا دوام روابط را دچار خدشه کند و همچنین دو کشور به نوعی با منطقه غرب آسیا نامتناجس و در نتیجه مکمل هم محسوب می‌شوند. موضوعی که با طرز تفکر جدید رژیم اشغالگر قدس، مبنی بر قدرت برابر با امنیت و در مقابل دستخوش تغییر شدن سیاست ترکیه از مشکلات صفر با همسایگان به سمت احیا یا تقلید از قدرت عثمانی در کنار حرکت به سمت عمل‌گرایی به جای ایدئولوگ بودن از سوی دو طرف و تصور تهدیدات مشترک، بیش از پیش موجب استحکام روابط شده است؛ لذا با وجود سردی ظاهری ارتباطات سیاسی بین دو کشور، همبستگی و پیوند راهبردی ترکیه و صهیونیست‌ها که پیرو و حامی دو ایدئولوژی متضاد دینی هستند، در باطن امر به شدت حفظ شده است؛ اگرچه در عمل به استفاده ابزاری از ابعاد عقیدتی مورد ادعای خود پرداخته‌اند و سیاست‌های کاملاً متضادی را نسبت به عقاید خود در پیش گرفته‌اند. بدین ترتیب، علی‌رغم وجود تنش‌ها و لفاظی‌های ظاهری که بیشتر جنبه مصرف داخلی داشته و در راستای ساکت کردن افکار عمومی

و به حاشیه راندن مخالفان صورت می‌گیرد، رابطه ترکیه و رژیم اشغالگر قدس، بیش از پیش علنی‌تر و مستحکم‌تر شده است. علاوه بر موارد فوق، دلایلی مانند ضرورت همکاری در حوزه انرژی به عنوان عامل تغییردهنده بازی حتی در سطح جهانی، به‌ویژه با آنچه امروزه پیرامون این حوزه در جهان می‌گذرد و با توجه به بهره‌برداری دوطرفه از این موضوع، نگرانی‌های مشترک امنیتی، همراهی با نظام جدید منطقه‌ای و تحکیم رابطه با اعراب، در پایداری روابط مؤثر بوده است. یافته‌های پژوهش، جملگی نشان می‌دهند؛ طرفین، زمینه‌های همگرایی بیشتری نسبت به واگرایی داشته و به‌علاوه آنان حداکثر نگاهی رقابت‌گونه به یکدیگر دارند و طرف مقابل را دشمن خود نمی‌دانند؛ چرا که به این درک مشترک دست یافته‌اند که نیازهای آنان به یکدیگر باعث می‌شود، غیر از حملات لفظی، اقدامی عملی علیه یکدیگر نکنند. لذا سیاست‌های اعلامی آنان، استتاری در جهت همراه شدن با دوستان منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بازی انتخاباتی داخلی است و در عمل، طیفی از اهداف گوناگون و رای روابط آنان پنهان شده‌اند که با وجود قهر و آشتی‌های ظاهری، امکان هرگونه جدایی و طلاق را از آنان سلب نموده است. بنابراین برخلاف تنش‌های ظاهری، دلایلی محکم و نظامی ثابت در استمرار روابط راهبردی ترکیه و رژیم اشغالگر قدس وجود دارد.

### کتابنامه

احمدی، حمید (۱۴۰۰)، سیاست و حکومت در خاورمیانه (غرب آسیا) و شمال آفریقا، تهران: نشر نی.

انعامی علمداری، سهراب، شفیعی، نوذر و متقی، ابراهیم، (۱۳۹۹)، «تحلیل نظری مدل مدیریت آشوب در ژئوپلیتیک جهانی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۷(۲): ۲۰۳-۲۲۸.

بزرگمهری، مجید (۱۳۹۹). روابط ترکیه و اسرائیل در دهه اخیر (۲۰۱۹-۲۰۰۰)، همگرایی یا واگرایی، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۴(۱۳): ۹-۴۰.

پاپه، ایلان (۱۳۹۸). ۱۰ غلط مشهور درباره اسرائیل، ترجمه وحید خضاب، تهران: انتشارات کتابستان معرفت.

چرا اردوغان وارد عادی‌سازی روابط ترکیه با رژیم صهیونیستی شد؟ (۲۰ اسفند، ۱۴۰۰). قابل مشاهده در: <https://ai.tn/۲۶۸۰۳۵۸>

ذکریا، فرید (۱۳۹۹). از ثروت به قدرت، ترجمه نجف شیخ‌سرایبی، تهران: انتشارات روزنه. سنایی، اردشیر، (۱۳۹۰)، «چارچوبی تحلیلی برای بررسی روابط ترکیه و اسرائیل پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه (۲۰۲۲-۲۰۰۲)»، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، ۴(۱۶): ۱۵۱-۱۸۰.

علیزاده، علی، (۲۰۱۳)، اهمیت استراتژیک آب در رابطه اسرائیل و ترکیه، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح (IPSC): ۱-۶، قابل مشاهده در: <https://peace-ipsc.org>



قیمی‌بشنو، فاطمه و میرحسینی، محسن (۱۳۹۹). بررسی پیامدهای اقتصادی - فرهنگی روابط ترکیه و اسرائیل بر منطقه خاورمیانه از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی ، ۱۶(۵۱): ۱۲۹-۱۵۳.

کاری، محمدرضا، (۱۳۹۲)، روابط ترکیه با اسرائیل و تاثیر آن بر تحولات اخیر خاورمیانه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، دانشکده علوم سیاسی.

مرشایمر، جان و والت، استفان، (۱۳۹۴)، لابی صهیونیستی و سیاست خارجی آمریکا، ترجمه فرج‌الله اردیزی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

موسوی‌نژاد، ولی (۱۳۹۳). پیچیدگی سیاست در ایران، تهران: انتشارات تیسرا.

## References

- Ahmadi, Hamid (2021), *Politics and Government in the Middle East (West Asia) and North Africa*, Tehran: Ney Publishing. (in Persian).
- Alizadeh, Ali, (2013), *The Strategic Significance of Water in Israel-Turkey Relations*, International Center for Peace Studies (IPCS): 1-6, Available at: <https://peace-ipsc.org> (in Persian).
- Alsafawi, Mohammed, (2016), *Who Needs Whom? Turkey and Israel Agree on Normalization Deal*, Istituto Affari Internazionali (IAI), working papers 16/30.
- Aslim, Ilksoy, (2017), "Energy Sources in the Eastern Mediterranean: Contributor to Solve the Problems in Cyprus, Turkey, and Israel Triangle?" , Athens Journal of Mediterranean Studies- Volume 4, Issue 1 – Pages 36-46.
- Bassiste, Rina (2022). Turkish foreign minister to visit Israel, <https://www.al-monitor.com>
- Balci, Ali and Tuncay, Kardas (2012). *The Changing Dynamics of Turkey's Relations with Israel: An Analysis of 'Securitization*, Insight Turkey, Vol. 14 / No. 2 / 2012, pp. 99-120
- Benjio, Ofra (2022). Turkey Finds Israel Useful Again, <https://www.tabletmag.com>.
- Bozorgmehri, Majid (2019). Relations between Turkey and Israel in the last two decades (2000-2019), convergence or divergence, *International Relations Studies Quarterly*, 4(13): 9-40. (in Persian).
- Cartwright, T. J. (1991), "Planning and Chaos Theory", *Journal of the American Planning Association*, 57(1), 44-56.
- Cohen, Hayeytan and Rocak, Yana (2022). *Can a Renewed Alliance Between Israel and Turkey Stabilize the Middle East?* <https://mosaicmagazine.com>.
- Duman, Levent (2020). *ISRAELI-TURKISH RAPPROCHEMENT IN THE 1990s: WHY AN ALLIANCE?*, Vol. 1, Analytical Politics.
- Efron, Shira (2018). *The Future of Israeli-Turkish Relations*, Published by the RAND Corporation, Santa Monica, Calif

- Enami Alamdari, Sohrab, Shafiei, Nozer and Motaghi, Ibrahim, (2019), "Theoretical Analysis of Chaos Management Model in Global Geopolitics", *Geopolitics Quarterly*, 17(2): 203-228.(in Persian).
- Erendor, M. E., Kadirşaeve, A., & Duman, L. (2022), Turkey-Israel relations in the context of the Syrian crisis. *Revista Universidad y Sociedad*, 14(S1), 229-236.
- Ersoy Öztürk, Tuğçe (2014). Religion as a Factor in Israeli - Turkish Relations: A Constructivist Overlook, *Middle East Research Institute Marmara University*, Vol. 13, No. 1-2, Spring- Summer 2014
- Fache, Wilson (2019). Inside the Unlikely, Unofficial Ties Between Israel and the Kurds, <https://www.haaretz.com>.
- Faras, (2021), Limited Rapprochement:Prospects for Turkish-Israeli Convergence of Interests, <http://www.futureuae.com>.
- Ghaimibashnu, Fatemeh and Mirhosseini, Mohsen (2019). Investigating the economic-cultural consequences of Turkish-Israeli relations on the Middle East region from 1990 to 2017, *Political Science Quarterly*, 16(51):129-153.(in Persian).
- Inbar, Efraim (2012). Israel's National Security Amidst Unrest in the Arab World, *Center for Strategic and International Studies the Washington Quarterly*, 35:3 59-73 <http://dx.doi.org/10.1080/0163660X.2012.704342>.
- Kardas, Saban, (2021), Prospects and challenges of normalization in Turkey – Israel relations: A Turkish view, <https://ovipot.hypotheses.org>
- Kari, Mohammad Reza, (2012), Turkey's relations with Israel and its impact on the recent developments in the Middle East, Master's Thesis of International Relations, Islamic Azad University, Tehran Branch, Faculty of Political Sciences.(in Persian).
- Karmon, Ely and Barak, Michael (2018). Erdogan's Turkey and the Palestinian Issue, <https://www.universiteitleiden.nl>.
- Mersheimer, John and Walt, Stephen, (2014), *Zionist Lobby and American Foreign Policy*, translated by Farajullah Ardizi, Tehran: Islamic Revolution Documentation Center.(in Persian).
- Mousavinejad, Vali (2014). *The complexity of politics in Iran*, Tehran: TISA Publications.
- Murinon, Alexander, (2008), "Azerbaijan-Turkey-Israel Relations: the Energy Factor", *Middle East Review of International Affairs*, Vol. 12, No. 3.
- Oğuzlu, Tarik (2010). The Changing Dynamics of Turkey–Israel Relations: A Structural Realist Account, *Mediterranean Politics*, Vol. 15, No. 2, 273–288
- Pope, Ilan (2018). 10 Famous Misconceptions About Israel, translated by Vahid Khadhab, Tehran: Marafet Kitabistan Publications.(in Persian).
- Sekulow, Jay Alan (2016).Turkey-Israel Relations, *Journal of the Centre for the Study of Law & Public Policy at Oxford*, Research Paper No. 15-3.
- Senai, Ardeshir, (2013), "An analytical framework for the study of relations between Turkey and Israel after the Justice and Development Party came to

- power (2002-2022)", Journal of International Relations, 4(16): 151-180.(in Persian).
- Ulgul, MURAT (2019). The Decline of the Syrian Effect' in Turkish-Israeli Relations, Uluslararası İlişkiler, Vol. 16, No. 62, pp. 135-148, DOI: 10.33458/uidergisi.588957
- Ulutaş, Ufuk (2010). Turkey-Israel: A Fluctuating Alliance, SETA | Foundation for Political, Economic and Social Research January, 2010 [www.setav.org](http://www.setav.org), Brief No: 42
- Veliyev, Cavid (2021). Ways of reviving the Turkey-Azerbaijan-Israel triangle, <https://www.dailysabah.com>
- Why did Erdogan enter the normalization of Turkey's relations with the Zionist regime? (March 20, 2021). Available at: <https://tn.ai/2680358>.(in Persian).
- Yildiz, Ugur Burc (2014). The Influence of the European Friends of Israel on the Members of the European Parliament, ALTERNATIVES TURKISH JOURNAL OF INTERNATIONAL RELATIONS [www.alternativesjournal.net](http://www.alternativesjournal.net), Vol. 13, No. 4.
- Zakaria, Farid (2019). From Wealth to Power, translated by Najaf Sheikhsaraei, Tehran: Rosenh Publications.(in Persian).